بدرالسادات شاهرضائی[1]

معرفی قطعات خوشنویسی و هنرمندان مرقّع نسخهٔ خطی ۱۰۶۰ کتابخانهٔ تبریز

تاریخ دریافت:۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ پذیرش:۱۴۰۳/۱/۲۹
doi 10.22034/9.1.191

چکیده

از نیمهٔ دوم قرن نهم هجری قمری، هنر مرقّع‌سازی رواج بسیاری یافت و در سده‌های دهم و یازدهم به اوج رسید، اما با ظهور صنعت چاپ از رونق و اوج درخشش افتاد. بسیاری از مرقّعات به دستور پادشاهان و به دستیاری هنرمندان درباری ساخته می‌شدند اما مرقّعات دیگری هم در کتابخانه‌ها موجود است که توسط بزرگان هر دوره تهیه شده و معمولاً کیفیت هنری بدنهٔ این گونه مرقّعات نسبت به مرقّعات درباری ضعیف‌تر است. با این حال خودِ آثار هنری موجود در این مرقّعات، گاهی ارزش بسیار دارند. مرقّعی که در این پژوهش شناسانده شده از این گونه است. از میان مرقّعات به‌یادگارمانده در کتابخانه‌های ایران، مرقّع معرفی‌نشده‌ای موجود است که به شمارهٔ اموال ۱۰۶۰ در کتابخانهٔ مرکزی تبریز نگاهداری می‌شود. این نسخهٔ ارزشمند پس از فوت مرحوم حاج محمد نخجوانی در سال ۱۳۴۱خ ـ بنا به وصیت وی ـ به کتابخانهٔ مرکزی تبریز اهدا می‌شود. احتمالاً این مرقّع در اواخر دورهٔ قاجار و به احتمال کمتر در اوایل دورهٔ پهلوی، از آثار خوشنویسان مطرح دورهٔ صفوی و قاجار، گردآوری شده که در آن میان آثاری از وصال شیرازی، درویش عبدالمجید طالقانی، میرعماد، محمدحسین حکاک شیرازی، علی، شاهزاده‌خانم والده علی بخش میرزا، و ابوالقاسم رضوی به چشم می‌خورد.

این پژوهش بر آن است تا به معرفی ۵۸ قطعهٔ خوشنویسی این هنرمندان بپردازد که هر یک به شیوه‌های گوناگون، قطعه‌ای را قلمی کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: مرقّع، خوشنویسی، محمدشفیع میرزا کوچک شیرازی، درویش عبدالمجید طالقانی، محمدحسین حکاک شیرازی، ابوالقاسم رضوی، علی، میرعماد

۱. دانشجوی کارشناس ارشد اسناد و مدارک آرشیوی، نسخه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران negarsashahrezaei@gmail.com

مقدمه

اهمیت تاریخ‌نگاری در مرقّعات

همواره بررسی و مطالعه مرقّعات برای اهل هنر، از نظر فرهنگی و اجتماعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. شناخت ویژگی‌های ظاهری و محتوایی و تحقیق و تحلیل تاریخ‌نگاری موضوعی این آثار موجب شناسایی جنبش‌های هنری و سیر تحول و تکامل این هنر در طول زمان شده است.

یکی از منابع تاریخی دست اول، اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌های خطی هستند که به لحاظ مقارن بودن زمان زیست کاتب با دوره‌ای که از آن یاد می‌کند یا همعصر بودن زمان حیات هنرمندان به هنگام پیدایش و خلق آثار هنری، از درجهٔ اعتبار بالایی برخوردارند. منابع تصویری و ترسیمی نیز از آن جمله‌اند که چون در زمان حیات خود هنرمند و توسط خود وی خلق شده‌اند، قابل استناد و معتبرند. حکاکی روی غارها، کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها، کاشی‌کاری‌های مکتوب و خطاطی‌شده، مینیاتورها و نقاشی‌ها، کتاب‌های دست‌نویس با خط خوش و نگارگری‌ها از جمله مظاهر این اسناد و مدارک دست اول‌اند. مرقّعات نیز گونهٔ دیگری از اسناد دست اول به‌شمار می‌آیند.

در کتب و منابع نسخه‌شناسی تعاریف مشابهی برای مرقّع نوشته شده است؛ از جمله در کتاب تصحیح متون، اصول و منابع (صفری آق‌قلعه، ۱۴۰۰: ۳۶) آمده است: مرقّع نسخه‌ای شامل آثار هنری از قبیل قطعات خوشنویسی یا نگارگری است. صحافی مرقّع‌ها مانند نسخه‌های متعارف، شامل کراسه‌های دوخته‌شده به یکدیگر نیست بلکه هر کدام از قطعات را بر روی یک تکه مقوای باریک می‌چسباندند و حواشی آنها را با شیوه‌های گوناگون تزیین کرده، در مرحله بعد

مقواها را با پیوندهای چرمی یا پارچه‌ای به هم وصل می‌کردند و در نهایت، دو دفه جلد را در آغاز و پایان مرقّع تعبیه می‌کردند. با این شیوهٔ صحافی می‌شد کل مرقّع را باز کرده، آنها را در کنار یکدیگر دید.

اوج هنر مرقّع‌کاری را در قرن هشتم دانسته‌اند. مرقّع دانشگاه استانبول مربوط به نسخه‌ای از کلیله و دمنه است که برخی از نگاره‌های آن در کتابخانه توپقاپی نگهداری می‌شود. این برگ‌ها بین سال‌های ۷۵۶ تا ۷۷۲ هـق در تبریز ترسیم شده است (İnal, 1995: 95). تصویر ۱ مرقّع مورد گفتگو در این مقاله را نشان می‌دهد:

مجموعهٔ قطعات مرقّع ۱۰۶۰ دربردارندهٔ قطعاتی زیبا از هنرمندان خوشنویس بنام است و در زمرهٔ مرقّعات مکتوب به‌شمار می‌آید.[1] این مرقّع، در واقع، مجموعه‌ای متشکل از ۵۸ قطعهٔ خوشنویسی‌شدهٔ برخی از هنرمندان قرن ۸ تا ۱۳خ، است. متأسفانه پدیدآورندهٔ این اثر دیباچه‌ای برای آن لحاظ ننموده و مخاطب را در انبوهی از مجهولات قرار داده است. ارزش این مجموعه در چه چیزی است و شامل آثار چه هنرمندانی است؟ هنرمندان این مجموعه چه سبک و شیوه‌ای داشته‌اند؟ آیا غیر از خطاطی ما را به اسناد تاریخی دیگری آشنا می‌سازد؟ اینکه چه کسی قطعات این سند را گردآوری نموده و به صورت مرقّع ارائه کرده است و یا قطعات آن ما را به چه دورهٔ تاریخی از هنر می‌کشاند و سؤالاتی از این قبیل، پرسش‌هایی هستند که به دلیل فقدان دیباچه، دانش و پاسخ واضحی از خود پدیدآورنده به مخاطب انتقال نمی‌دهد. آنچه از برداشت اول از این مجموعه دستگیر مخاطب می‌شود این است که گردآورنده به هنر خوشنویسی علاقه داشته و با تهیه این مرقّع مانع از بین رفتن این قطعات شده است. تمام اطلاعات آمده در این مجموعه مرقّع مطالبی است که فهرست‌نویس کتاب فهرست نسخه‌های کتابخانهٔ ملی تبریز (سید یونسی، ۱۳۹۳: ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵) در ذیل مشخصات این نسخه آورده است که در مواردی با بررسی‌های نگارنده این مقاله تفاوت دارد که به هنگام بررسی قطعات به آنها اشاره خواهد شد. گفتار حاضر بر آن است تا با رویکردی پژوهشی به مطالعهٔ این قطعات بپردازد و توجه خواننده را با نگاهی محققانه به این مجموعه جلب کند.

از آنجا که تمام توصیفات از روی تصاویر

تصویر ۱. نمایی کلی از مرقّع ۱۰۶۰

اسکن‌شدهٔ واصله از کتابخانهٔ مرکزی تبریز انجام می‌پذیرد و اصل مرقّع در دسترس پژوهشگر نبود، نویسنده پیش‌تر از خوانندگان گرامی بابت خطا در تشخیص رنگ‌ها و دیگر لغزش‌های احتمالی عذرخواهی می‌کند.

آنچه در تصویر مشاهده می‌شود جلد رو و پشت این مجموعه هر دو مقوایی و رویه آن تیماج و به رنگ مشکی است که در چهار گوشهٔ جلدها لچکی‌های طلاکوب دیده می‌شود. در مرکز هر جلد یک ترنج بزرگ طلاکوب شده که در بالا و پایین آن نیز دو نیم‌ترنج لوزی‌شکلِ طلاکوب قرار گرفته است. اینکه تکنیک ضربی یا سوخته برای ایجاد ترنج‌ها و لچکی‌ها به‌کار رفته باشد قابل تشخیص از روی تصویر نیست. ظاهر هر دو طرف سالم به‌نظر می‌رسد و آثار آسیب و پارگی و پوسیدگی در آنها دیده نمی‌شود.

این مرقّع با صفحهٔ آستری کاغذی به رنگ آجری (نارنجی پُررنگ) است که افشانه شده است. رنگ افشانه‌ها طبق آنچه از تصویر در دست حاصل می‌شود تیره و سیاه‌رنگ است. اما از آنجا که مرسوم بوده با نقره یا طلا افشانه‌کاری انجام پذیرد باید گفت احتمالاً افشانه‌هایی از طلا یا نقره داشته که به مرور زمان و در مجاورت هوا تغییر رنگ داده‌اند و تیره شده‌اند. در ادامه همین کاغذ صفحهٔ بدرقه کتاب را تشکیل داده که شناسنامه این نسخه را چنین معرفی می‌کند: کتابخانهٔ ملی تبریز تأسیس ۱۳۳۵خ، بعد به شمارهٔ ۳۵۹۱ در دفتر کل کتابخانهٔ تبریز ثبت شد و نیز به مُهر حاج محمد نخجوانی به سال ۱۳۴۰ و واگذاری این اثر توسط مرحوم حاج محمد نخجوانی به کتابخانهٔ ملی تبریز اشاره دارد. البته، شمارهٔ ثبت اموال این اثر ۱۰۶۰ رقم خورده و به گفتهٔ شفاهی کارشناسِ بخش خطی آن کتابخانه به همین شماره ثبت و محفوظ است.

با وجود آنکه تاریخ تدوین این مجموعه در جایی از کتاب مطرح نشده است، اما می‌توان دریافت که زمان تدوین آن به زمانی بعد از آخرین تاریخ رقم خورده در قطعات خوشنویسی شده و قبل از اهدای آن به کتابخانهٔ ملی تبریز رقم می‌خورد. صرف‌نظر از قطعاتی که کاتب و تاریخ رقم آن قید نشده است، با بررسی به‌عمل‌آمده در تاریخ کتابت این قطعات این نتیجه حاصل آمد که متقدم‌ترین قطعه از آنِ قطعهٔ ۲۹، به خطاطی محمدرضا موسوی در سال ۱۰۸۹ هـق و مؤخرترین آن، قطعهٔ شمارهٔ ۴۰، متعلق به خوشنویسی به نام علی در سال ۱۳۲۳ هـق است (البته، بیاضی از مسودهٔ کلیات سعدی به خط بیستون در قرن هشتم هجری قمری به شمارهٔ قطعات ۱ تا ۴ در این مجموعه آمده که کاتب و زمان کتابت آن نامشخص است). بنابر شواهد و مستندات این مجموعه می‌توان اذعان داشت که این مجموعه شامل قطعاتی خوشنویسی‌شده بین قرون یازدهم تا چهاردهم هجری قمری است که بعد از سال ۱۳۲۳ جمع‌آوری شده‌اند. بیشترین قطعات جمع‌آوری شده این مرقّع به سدهٔ سیزده هجری قمری تعلق دارد. از آنجا که برادران نخجوانی؛ مرحوم حاج محمد نخجوانی و مرحوم حاج حسین نخجوانی در جمع‌آوری نُسخ خطی نقش بسیار پُررنگی در تبریز داشتند، این تفکر که مجموعه توسط خود آنان و برای جلوگیری از نابودی این اسناد هنری گردآوری شده باشد دور از انتظار نیست. این اثر به لحاظ آنکه در زمرهٔ آخرین مرقّعات به‌وجودآمده به شمار می‌آید و نیز دارا بودن چند نمونه نامه از نامه‌های سلطانیات، که در طبقهٔ اسناد دیوانی و سلطانی قرار می‌گیرند از نظر اسناد تاریخی حائز اهمیت است. نامه‌های مرقوم‌شده در این مجموعه از نظر دستور زبان نوشتاری سلاطین با خویشان و یا فرودستان در دورهٔ خود، نوع تذهیب، آشنایی مخاطب با

نامه‌های فرمانی، تشخیص کاتب از روی مُهر، شرح گزارشی که وزیر به سلطانش در مورد احوال کشور می‌دهد، موجب شده ارزش تاریخی هم به ارزش هنری آن افزوده شود.

در میان خوشنویسان مطرح‌شده در این مجموعه، میرزا محمدشفیع کوچک شیرازی (۱۱۶۲ ـ ۱۱۹۷هـق) (برقعی، ۱۳۸۳: ج ۱۲، ۶۳۴)، بیشترین فراوانی قطعات را از آنِ خود کرده است. تعداد ۲۶ قطعه از ۵۹ قطعهٔ موجود به کوچک شیرازی تعلق دارد. سپس قطعات خوشنویسی‌شده توسط استاد عبدالمجید (مشعشعی، ۱۳۹۱) ـ به تعداد چهار قطعه ـ در جایگاه بعدی قرار دارد.

گردآورندهٔ مرقّع ۱۰۶۰ برای آن دیباچه‌ای فراهم ننموده است، اما چهار رقعه از ابتدای دیباچهٔ احمد بیستون از کلیات سعدی را ـ که توسط کاتبی ناشناس کتابت شده ـ آورده است. در دو قطعهٔ آغازین این مجموعه فواصل سطور دارای طلااندازی دندان‌موشی است. در میانهٔ دو سویهٔ راست و چپ دو قطعهٔ نخست، لچکی‌های زرّین با تذهیب ختایی ترسیم شده‌اند. در قاب‌کشی این خوشنویسی، هنرمند جدول‌کش از دو ردیف قاب قهوه‌ای کمرنگ و یک قاب تیره مایل به مشکی بهره برده، سپس دو سوم غربی کادر را به متن اصلی اختصاص داده است. در این بخش نیمی از صفحه نیز به سرلوح کار با دو کتیبه اختصاص دارد. سر لوح مذهب بوده و کتیبهٔ بالایی بیاض ولی مذهب و دومی را با عبارت «بسم الله الرحمن الرحیم» کامل نموده است. در پایین سرلوح عباراتی آمده است که داستان چگونگی جمع‌آوری و نوشتن دیوان شیخ اجل سعدی را حکایت می‌کند. پس از اتمام سطر آخر، کاتب بقیهٔ مطالب را در حاشیه چلیپانویسی نموده است. خط این قطعه فارسی است و به نستعلیق نوشته شده است. تمام نوشتار با جوهر مشکی است جز یک مورد که در حاشیه با قرمز آمده است. نویسنده این قطعه در سطر آخر حاشیهٔ صفحهٔ آغازین، خود را علی بن احمد بیستون معرفی کرده و تاریخ اولین گردآوری غزلیات شیخ اجل سعدی را سنهٔ ۷۲۶هـق عنوان نموده که این جمع‌آوری بر اساس حروف اول غزل بوده و تا هشت سال بعد از آن نیز چند نسخه‌ای فراهم می‌شود تا اینکه هشت سال بعد به درخواست یکی از دوستان برای سهولتِ یافتنِ غزل‌های سعدی، دیوان اشعارش را بر اساس حرف پایانی غزل فهرست کرده است.

قطعهٔ دوم دنبالهٔ دیباچهٔ بیستون از همان نسخه است که این بار تذهیب قطعه آغازین نیست و چلیپانویسی در حاشیهٔ بالا و سمت چپ و پایین به چشم می‌خورد و مستطیل متن در سمت راست قطعه جای گرفته است. در گوشهٔ بالا، سمت راست و وسط ارتفاع و در گوشه پایین حاشیهٔ قطعهٔ سوم یک لچکی وجود دارد. قرینه همین کار در قطعهٔ چهارم دیده می‌شود. قطعهٔ چهارم درست تکرار قطعهٔ دوم است. دور تا دور قطعات سوم و چهارم افشانه‌کاری شده و از خارج به داخل سیزده جدول نازک کنار هم کشیده شده است. لچکی‌های این دو قطعه بیاض باقی مانده است. مطالب این چهار قطعه به خط نستعلیق و آیات و احادیث به نسخ و رقاع نوشته شده است. ابوبکر بیستون شیوهٔ کار خود را برای فهرست کردن دیوان ـ که بر پایهٔ حرف آخر از هر غزل است ـ در قطعهٔ سوم گزارش می‌دهد. داخل کادر اصلی به گفته‌های کاتب از چگونگی گردآوری شانزده کتاب و هفت رساله سعدی در چهارده سطر اختصاص دارد. در قطعهٔ سوم که بر پایه نوشته‌های رقاع به زر تحریردار و نوشته‌هایی به خط نسخ به رنگ شنگرف و آبی کبود کتابت شده است. بیش از بیست اثر از این مجموعه مرقّع متعلق به میرزا محمد

۲. تصویری از قطعهٔ آغازین

شفیع شیرازی ملقب به میرزا کوچک و متخلص به وصال شیرازی است که بیشترین حجم آثار این کتاب به او اختصاص یافته است.

ابو احمد محمدشفیع شیرازی، فرزند محمداسمعیل، در سنهٔ ۱۱۶۱خ در شیراز زاده شد (برقعی، ۱۳۸۳: ج ۱۲، ۶۳۴). پیشهٔ او شاعری و خوشنویسی بود و از خوشنویسان شهیر قرن دوازده به‌شمار می‌آید. او گاهی آثار خود را به نام میرزا کوچک شیرازی و گاهی به نام تخلص خود «وصال شیرازی» رقم زده است. در این مجموعه ۲۳ اثر از وی با امضای «میرزا کوچک شیرازی» و سه اثر با امضای «وصال شیرازی» رقم خورده است. وی در نسخ و نستعلیق تبحر ویژه داشت که اکنون به موارد جمع‌آوری‌شده در این مجموعه پرداخته می‌شود. قطعات پنجم و ششم که کاملاً شبیه هم هستند صفحهٔ زمینه‌ای به رنگ قرمز آجری دارند. کادری متشکل از ۱۰ جدول در مرکز صفحه برای نگارش آماده شده است. جداول از بیرون به داخل به رنگ‌های سبز عدسی، آجری رنگ زمینه، مشکی، عدسی، سفید، عدسی، سفید، عدسی، قاب سورمه‌ای، جدول باریک سیاه، جدول عدسی و داخلی‌ترین جدول آن به رنگ سیاه است. رنگ زمینه کادر اصلی عدسی‌رنگ و خطوط در رقعه‌ای زراندازی‌شده با تحریر دندان‌موشی در هفت سطر کتابت شده‌اند. در این قطعهٔ کتابت‌شده بخشی از قصیدهٔ سروده‌ای از سیدالموحدین، قطب‌العارفین و فخرالعالمین علی ابن ابیطالب مشقی به خط نسخ از میرزا محمدشفیع نقل شده که می‌فرماید: «المالُ یُفنی عن قریب و انّ العلم باق لایزالُ »که زمان کتابت آن را سنهٔ ۱۲۳۲ اعلام کرده است.

قطعهٔ ششم ادامه ابیاتی منسوب به امیرالمؤمنین (فیض کاشانی، ۱۳۸۶) است که به خط نسخ و با رنگ سیاه مشق شده است:

و کـــم لله لـطف خـــفی
یدقُّ خفاهُ عن فهـم الذکیِّ
و کم یسرٍ أتی من بعد عُسر
فَفرَّجَ کُـــربَةَ القلب الشجی
و کم أمر تساءُ به صبـاحـا
و تأتیِیکَ المسَرّة بـالعشیِّ
اذا ضاقت بک الاحوال یوماً
فثق بـالواحدِ الـفردِ العلیِّ
تـوسل بـالنبی فکل خطب
یـهونُ أِذا تـوسل بـالنبی
و لا تجزع أذا ما ناب خطب

مشق این قطعه در صفحه‌ای دو قابه بدون تذهیب در هفت سطر نگاشته شده که ما بین سطور زراندازی دندان‌موشی است. در پایان نام کاتب با عنوان «مشق میرزا کوچک» بدون ذکر تاریخ کتابت ملاحظه‌می‌شود.

قطعهٔ هفتم شامل رقعه‌ای خوشنویسی‌شده از همین خوشنویس نام‌آشناست. اثر او بر روی کاغذی نقش بسته که رنگ زمینهٔ آن نارنجی و افشان شده است که با جداول متعددی مابین خود چهار قاب پهن و باریک را تشکیل داده‌اند. قاب‌ها از بیرون به داخل مشکی پهن، سفید،کرمی و قرمز هستند. رنگ زمینه قاب اصلی عدسی است که چهارده سطر آن تحریر دندان‌موشی کرمی رنگ دارد. کاتب در این قاب مشقی با خط شکسته نستعلیق در سیزده سطر از خود به یادگار گذاشته که سطر چهاردهم اشاره به نام و رقم کتابت کاتب دارد که چنین آمده است: «مشقه به العبد میرزا کوچک شیرازی عفی عنه سنه ۱۲۳۵».

قطعهٔ هشتم این مرقّع مخطوط به خط نسخ است. این قطعه که در یک صفحه افشانه به رنگ نارنجی آمده، کادر آن از پنج جدول تشکیل یافته که از خارج به داخل عبارت‌اند از رنگ‌های سورمه‌ای، عدسی، سیاه، آبی، قاب سیاه و جدول قرمز. عباراتی به زبان عربی و به رنگ سیاه در یازده سطر به تحریر دندان‌موشی کتابت شده است و ناقل آن مشخص نیست. در خط پایانی نام کاتب چنین رقم خورده است: «کتبه العبد محمدشفیع شیرازی ۱۲۴۰».

قطعهٔ نهم این مجموعه نیز همچون قطعهٔ قبلی از پیش‌زمینهٔ افشان‌شده‌ای به رنگ نارنجی و با همان قاب و شکل است. در این اثر کاتب قصیده‌ای از ابونواس در وصف خمر را به خط عربی و به شیوهٔ نسخ کتابت نموده است و قاب و حاشیه این قطعه کاملاً شبیه قطعهٔ قبلی است. در انتها به نام و زمان کتابت آن چنین اشاره رفته است: «حررته لامتحان المداد و انا العبد وصال شیرازی ۱۲۳۹».

صفحهٔ زمینه و جداول و قاب‌های قطعات دهم و یازدهم شبیه هم هستند. هر دو از مقوایی با زمینهٔ تیره سیاه یا قهوه‌ای سوخته تشکیل شده‌اند که خطوط جداول آن از خارج به داخل به ترتیب به رنگ‌های سفید، عدسی، قرمز آجری، سفید، قاب نارنجی و جدول سیاه است. رنگ زمینهٔ متن عدسی رنگ و حاوی تحریرهای دندان‌موشی کرم‌رنگ است. قطعهٔ دهم حاوی عباراتی به عربی به خط نسخ در یازده سطر است که در سطر آخر به خط ثلث از خود چنین یاد کرده است: «حرره الوصال رحمة الله فی سنه ۱۲۴۰». قطعهٔ یازدهم شامل سورهٔ حمد و توحید به خط نسخ است که کاتب برای معرفی خود چنین نوشته است: «کتبه العبد الاقل الراجی الی رحمة ربه الرفیع محمد شفیع الشیرازی ۱۲۴۰».

جدول قطعهٔ دوازدهم و سیزدهم هم مشابه هستند. کار بر روی یک صفحه مقوایی قهوه‌ای رنگ تیره چسبانده شده است. سپس دور تا دور قطعه جدول‌کشی سفید دارد و درون آن جدولی طلایی و باز جدول سفید دیگری در درون آن و سپس قاب پهنی به رنگ زرد اُکر. در درون قطعه، خوشنویس آیهٔ شریفهٔ ۱۵۴ از سورهٔ آل عمران را به سال ۱۲۳۸ کتابت کرده و نام خود را میرزاکوچک شیرازی معرفی نموده است.

یکی از جلوه‌های زیبای هنر خوشنویسی میرزا کوچک شیرازی در قطعهٔ سیزدهم از این مجموعه است که هنرمند با هنرنمایی و ابتکار عمل صفحه کار را با خطوطی به خط نسخ به‌طور عمودی به دو ستون مساوی تقسیم نموده است. او برای این کار یک خط از پایین به بالا، از سمت راست صفحه عبارتی را به عربی مشق نموده و ادامه آن را از پایین وسط صفحه تا بالای آن پیش رفته و سپس در انتها سطر عمودی سوم را قلمی کرده است. گویی ابتدا کاغذ را از طول مقابل خود گذاشته و شروع به خطاطی این سه سطر کرده آنگاه صفحه را به حالت

عادی برگردانده و ستون اول در سمت راست از پایین به بالا با چلیپانویسی عباراتی به عربی نوشته است. او ستون دوم را با خط شکسته تحریری این بار به فارسی در هفده سطر قلمی کرده است. در سطر پانزدهم چلیپانویسی به فارسی، نام کاتب میرزا کوچک شیرازی به چشم می‌خورد اما تاریخ آن زیر نوشته‌های دیگر نامعلوم گشته است. این قطعه در دو جدول محاصره شده است. جدول خارجی آن قهوه‌ای است و جدول دوم آن به رنگ زرد خردلی و سپس زمینهٔ اصلی خطاطی‌شده رؤیت می‌شود که دور تا دور اثر زراندازی دندان‌موشی کار شده و تحریرها داخل زمینه‌ای صورتی‌رنگ نوشته شده‌اند (تصویر ۳).

قطعهٔ چهاردهم این مجموعه، مشقی از آیات ۱۸ و ۱۹ سوره آل عمران به نسخ است که از بالای صفحه در چهار سطر به‌طور افقی نوشته شده است. سپس انتهای آیه ۱۹ را به‌صورت چلیپا از میانه صفحه در سه نیم سطر ادامه داده تا به پایان آیه شریفه برسد. نویسنده که خود را میرزا کوچک شیرازی معرفی نموده است در چلیپانویسی به خط تحریری شکسته در ادامهٔ آیه اذعان دارد که سعی بر تقلید از خط احمد نیریزی داشته است. این اثر می‌تواند گواه آن باشد که در خوشنویسی، احمد نیریزی می‌توانسته الگوی میرزا کوچک شیرازی بوده باشد. ستون دوم که به پایان می‌رسد از همان پایین شروع به تکمیل و مشقی نمودن ستون نیمهٔ اول صفحه، این‌بار اقدام به تحریری با خط شکستهٔ ریزتر از ستون دوم می‌کند. تاریخ کتابت این قطعه سنهٔ ۱۲۲۹هـق رقم خورده است. این قطعه روی کاغذی با زمینهٔ صورتی سوار است و محصور در چند جدول خارجی و داخلی است. جدول خارجی آن کِرم‌رنگ است که از وسط آن یک قهوه‌ای ملایم به رنگ شیرکاکائویی رد شده است.

تصویر ۳. قطعهٔ سیزدهم

دوباره یک جدول روشن به رنگ سفید دارد که درون آن را یک کادر قهوه‌ای پُررنگ تشکیل داده که این قطعه هنری را با زمینه‌ای زراندازی‌شده در درون خود جای داده است.

قطعهٔ پانزدهم در هفت سطر دفتری مکتوب شده است. ما بین سطور طلااندازی دندان موشی است. در باب حسن خط و اهمیت خوش نوشتن نام خداوند و بسم الله الرحمن الرحیم اشاره به احادیثی از نبی اکرم شده از جمله که می‌فرمایند: «من کتب بسم الله الرحمن الرحیم بحسن الخط وجبت له الجنة» (قاضی احمد قمی، ۱۳۸۳: ۱۰). کاتب در پایین صفحه در وسط سطر بدون ذکر نام خود فقط نوشته: «و فی خمسه عشر شهر شوال سنه ۱۲۱۴».

قطعهٔ شانزدهم این مجموعه باز با اثری از میرزا کوچک شیرازی همراه است که به سال ۱۲۳۲هـق به قلم کشیده شده است. رقعه‌ای که این اثر به روی

آن چسبیده به رنگ خردلی است. متن صفحه به رنگ سبز ماشی کمرنگ است که سطور به خط شکسته نستعلیق، در رقعه‌ای زراندازی‌شده با تحریر دندان‌موشی نوشته شده‌اند. کوچک شیرازی در این قطعه شرحی از اسماء الهی را به نقل از شیخ محی‌الدین ابن عربی نگاشته است. دو سطر اول به خط نسخ و بقیهٔ سطور به شیوهٔ شکسته‌نستعلیق قلمی شده‌اند.

در قطعهٔ هفدهم هنرمند خوشنویس به طرز شگفت‌انگیزی با تقلید از شیوه‌های نگارشی دیگر خوشنویسان به خلق یک قطعهٔ مرکب می‌پردازد. این قطعه شامل خطوطی از نسخ، رقاع و شکسته‌نستعلیق به تقلیدی از خط خوشنویسانی چون سیدعلی، استاد ملاعبدالرحمن و میرزا احمد است. کاتب این هنرنمایی نامی از خود بر جای نگذاشته اما شاید بتوان براساس شباهت‌های ظاهری این سند از قبیل مدل کاغذ، رنگ زمینه، جدول‌کشی و ترکیب جدول‌ها به نمونه‌های قبلی قطعات میرزاشفیع کوچک شیرازی در این مرقّع، این اثر را به او نسبت داد.

جدول‌کشی‌های قطعهٔ هجدهم نیز شبیه قطعات نهم و دهم از این مجموعه است. حاشیهٔ قاب افشانه‌ای در زمینه‌ای نارنجی‌رنگ دارد. قاب متن از چند جدول تو در تو تشکیل شده است. کاتب فضای متن را به سه قسمت تقسیم کرده و همچون قطعهٔ قبلی از چند شیوهٔ خوشنویسی برای کتابت استفاده کرده و اثری ترکیبی از سه خط نسخ، نستعلیق و شکسته‌نستعلیق را خلق کرده است. در بالای صفحه قطعه دعایی به زبان عربی موسوم به «دعای امام زمان» به خط نسخ کتابت شده که با «الهم رزقنا توفیق الطاعة» آغاز و تا تفضّل «علی علمائنا بالزهد و النصیحة و الطف الکرامة» ادامه یافته است. هفت سطر بعدی قطعه را در باب اجسام غریبه و اغراض عجیبه به فارسی و با خط نستعلیق نوشته که دو خط آخر میانی را شکسته‌نستعلیق کار کرده است. در یک‌سوم انتهای قطعه نیز با خط رقاعی چلیپانویسی کرده است. در سطر نوزده و بیستم نام و زمان کتابت را چنین رقم زده است: «الاحقر الفقیر محمد شفیع مشهور به میرزا کوچک شیرازی عفی عنه فی یوم الجمعه اربع عشر شهر صفر المظفر من شهور سنه ۱۲۳۵».

جدول‌کشی قطعهٔ نوزدهم دقیقاً شبیه قطعهٔ قبل از خود است. مقوای زمینه هم با زمینه‌ای نارنجی افشانه‌کاری شده است. این قطعه در هفت سطر با خط نسخ و به عربی و دَه سطر به فارسی و نستعلیق در مقام پند و اندرز در زمینهٔ تدبیر معاش و معاد انسان پرداخته و حواشی آن را با خط شکسته تحریری چلیپانویسی نموده است. سه خط نخست این قطعه با تورفتگی آغاز شده و قبل از اتمام سطر نیز همان میزان فضا خالی مانده است. اما، در سه خط بعدی خوشنویس از ابتدای سطور تا آخر سطور را کامل نوشته است. سطر هفتم در میانهٔ سطر آمده و با عبارت «والقرب من النجاة» نسخ‌نویسی پایان پذیرفته است. در این قطعه نام خوشنویس و تاریخ کتابت به وضوح دیده نمی‌شود اما از بیت پایانی آن که نوشته:

اگر گوش بنهی به پند وصال
نه بینی ملامت نه یابی ملال

می‌توان به تخلص شاعر که «وصال» است پی برد و خطاط آن را شناخت.

کاغذ زمینه و جداول قطعات بیستم و بیست‌ویکم مشابه همدیگر هستند. این دو قطعه روی زمینه‌ای سیاه‌رنگ با جداول خطی تو در تو، از خارج به داخل به رنگ‌های سفید، سبز طلایی،

نارنجی، سیاه، سفید، قاب پهن صورتی، سیاه و رنگ زمینه داخل قاب سبز ـ طلایی‌اند. قطعهٔ بیستم را هنرمند خوشنویس با هنرمندی به سه قسمت صفحه‌آرایی و در سال ۱۲۳۸ مشق کرده است. در بخش اول از بالا به سمت راست در نُه سطر فرازی از سفارش نبی اکرم به حضرت علی از کتاب الخصال به زبان عربی و به خط نسخ مکتوب نموده، سپس دو سطر را افقی در میانهٔ رقعه نوشته و آنگاه از سمت چپ در هشت سطر به چلیپانویسی خود ادامه داده است. در این قطعه فواصل بین سطور زراندازی و دندان موشی شده است.

قطعهٔ بیست ویکم هم همان ویژگی‌های ظاهری قطعهٔ بیست را دارد با این تفاوت که به نقل روایتی دربارهٔ امام موسی بن جعفر پرداخته است. این قطعه در هجده سطر به نسخ و به زبان عربی در سال ۱۲۳۷ چلیپانویسی شده است. خطاط هر دو قطعه میرزاکوچک شیرازی است.

قطعات بیست‌ودو و بیست‌وسه هم از نظر ظاهری کاملاً شبیه هم هستند. مقوای پس‌زمینه صورتی است و هر دو قطعه دارای جداول خطی تو در تو از خارج به داخل به رنگ‌های آبی لاجوردی، صورتی، سبز زیتونی، سیاه، صورتی، قاب پهن سیاه و باز هم صورتی است. رنگ زمینهٔ اصلی متن نگارش سبز زیتونی کمرنگ است که رقعه‌های زراندازی‌شده با تحریر دندان‌موشی به خط نسخ و زبان عربی در درون هر دو قطعه جای گرفته‌اند. خوشنویس هر دو قطعه میرزاکوچک شیرازی است. سال کتابت قطعه بیست‌ودو ۱۲۰۸ است ولی زمان کتابت قطعه بیست‌وسه مشخص نیست.

قطعهٔ بیست‌وچهارم و بیست‌وپنجم بر روی مقوایی طوسی‌رنگ نقش بسته است. این قطعات در درون جداول تو در تو خطی هستند که از خارج به داخل عبارت‌اند از: صورتی، طوسی، طلایی، سیاه، طلایی، سیاه، سفید، سیاه، صورتی، سیاه، قاب صورتی پهن و پس‌زمینه سبز زیتونی با تحریرهای دندان‌موشی گلبهی‌رنگ. خط این رقعه نستعلیق و به رنگ سیاه است، اما نام و نشانی از کاتب و تاریخ کتابت آن نیامده است.کاتب به شیوهٔ دفتری این قطعه را مشق نموده. قطعهٔ بیست‌وچهارم بخشی از حکایت شمارهٔ پنج از باب چهارم گلستان در هفت سطر بیان می‌کند. مابین سطور زراندازی دندان‌موشی است. فضای داخل سطور گلبهی‌رنگ به نظر می‌آید.

دو سطر ابتدایی دفتری است سپس سه بیت شعر نوشته است. مابین این سه بیت را با بخش بعدی کتیبه‌ای ایجاد کرده و داخلش را با نوشتن «نظم» عنوان بخشیده است. مجدداً یک دو بیتی مکتوب ساخته و باز زیر این دو بیت در کتیبه‌ای عنوان «حکایت» را داده تا به دنبال آن حکایتی را روایت کند. این قطعه در حالی که فقط یک سطر از حکایت آن روایت می‌شود، پایان می‌پذیرد.

و قطعهٔ بیست‌وپنج در باب افتتاح ابواب اقبال و گشایش محبوس را به خط نستعلیق نمایش می‌هد. خوشنویس و سال کتابت این قطعه نیز مشخص نیست.

ظاهر قطعات بیست‌وششم و بیست‌وهفتم هم دقیقاً شبیه یکدیگر است. هر دو بر روی مقوایی صورتی‌رنگ با افشانه‌های رنگین هستند. قاب‌های این دو قطعه سبز زیتونی است که روی آن جداول خطی آبی‌رنگ تو در تو قرار گرفته است. زمینهٔ کار سبز زیتونی است و درون آن از تحریرهای زراندود شده پُر است.

قطعهٔ بیست‌وششم یک قطعهٔ ترکیبی است از چهار نوع خط نسخ، رقاع، نستعلیق و شکسته‌نستعلیق. بخش نخست به حدیثی از پیا مبر در مورد اصلاح پادشاهان و دانشمندان

اشاره دارد که در پنج خط به عربی و به نسخ مورب‌نویسی شده است. مابین فواصل این سطور نسخ‌نویسی طلااندازی و دندان‌موشی شده است. سطر ششم به رقاع چنین می‌نویسد: «حرر العبد الاحقر المسکین المستکیر الضعیف الذلیل محمدشفیع المشهور میرزاکوچک ابن المرحوم المغفور میرزا محمداسماعیل غفرالله تعالی ذنوبهما جمادی‌الاخر ۱۲۳۳». کاتب همان حدیث را در پنج سطر دندان‌موشی به فارسی به خط نستعلیق برگردانده است. پایین قطعه نیز به شکسته نستعلیق در چهار نیم سطر کتابت نموده است.

قطعهٔ بیست‌وهفتم دعایی را به عربی و به شیوهٔ ثلث از راست به چپ در چهار سطر تحریر دندان‌موشی و چلیپانویسی شده است. سپس، از گوشهٔ سمت چپ بالا به پایین در فضایی مثلث‌گونه به خط نستعلیق در هفت سطر به نستعلیق و با خط فارسی می‌نویسد. بخشی از نیمهٔ پایینی به خطوط شکسته‌نستعلیق و سه سطر پایانی به خط نسخ اختصاص داده شده است. زمینهٔ قاب این قطعه سبز زیتونی و تحریرها به زراندازی دندان‌موشی مزیّن هستند. این قطعه نیز به قلم میرزاکوچک در تاریخ ۱۲۳۵ رقم خورده است.

قطعهٔ بیست‌وهشتم و بیست‌ونهم نیز از نظر ظاهری ویژگی‌های شبیه به هم دارند. هر دو روی مقوایی صورتی‌رنگ نقش بسته‌اند. هر دو قاب پهن سیاه‌رنگی دارند که جداول خطی رنگارنگی از بیرون دور قاب‌ها کشیده شده است. رنگ زمینه هر دو سبز زیتونی است. قطعهٔ بیست‌وهشتم را محمدرضا الموسوی به نقل از خط میرعماد در سال ۱۰۸۹ در چهار سطر کتابت نموده است. مابین سطور نقوش گلزار و دندان‌موشی است. به استناد تاریخ‌های آمده در این مجموعه، این دست‌خط متقدم‌ترین خط این مجموعه است.

مفردات نستعلیق قطعه بیست‌ونهم هم به طریق خواجه میرعلی تبریزی نگارش شده است. زمان و کاتب این خط نامشخص است.

مشخصات ظاهری قطعهٔ سی به این گونه است: قطعه‌ای منقش بر روی مقوایی به رنگ آبی لاجوردی است. متن اصلی قطعه درون قابی کرمی‌رنگ و پهن است که از بیرون جداول خطی به ترتیب با رنگ‌های آبی تیره، قهوه‌ای، سورمه‌ای، سفید، سورمه‌ای این قاب را احاطه کرده است. زمینهٔ قطعه تیره و قهوه‌ای‌رنگ است. وصال شیرازی با خط‌نوشته‌ای، میانهٔ عرض خط بالا را به میانهٔ عرض پایین متصل نموده و با این کار قطعه را به دو قسمت مساوی تقسیم کرده است. آنگاه خوشنویس خوش‌ذوق با استفاده از تکنیک رنگینه‌نویسی با پنج رنگ آبی، سفید، شنگرف و زنگار و سیاه در دو ستون چلیپانویسی کرده و به نوشته‌هایش تنوع و زیبایی بخشیده است. این قطعه از لحاظ نوع خط و رنگ، قطعه‌ای کاملاً ترکیبی است که در آن از انواع خطوط نسخ به عربی و تحریری و شکسته تحریری به فارسی بهره برده است. تاریخ آن سنهٔ ۱۲۳۸ رقم خورده است.

قطعهٔ سی‌ویکم هم بر روی مقوایی به رنگ آبی لاجوردی سوار است. قاب اصلی این قطعه قهوه‌ای کمرنگ است ـ با جداول رنگی تو در تو از بیرون قاب ـ چون رنگ زمینه تیره است خوشنویس از رنگ‌های متضاد زمینه استفاده کرده است. او در دو سوم کادر خود از بالا هنر دست خود را با چیرگی به نمایش گذاشته است، بدین ترتیب که در سه سطر به رنگ زرد کادر معین‌شده‌ای را با فاصلهٔ مساوی می‌نویسد. آنگاه مابین سطور اول و دوم را با خط سفید چلیپانویسی می‌کند. حد فاصل سطر دوم با سوم را با رنگ صورتی خوشنویسی کرده و پایین خط سوم هم به رنگ بنفش و صورتی. کاتب در این قطعه نامی از

خود بر جای نگذاشته اما شواهد و قراین و شباهت بسیار زیاد این قطعه به قطعهٔ سی خواننده را متوجه وصال می‌کند.

مقوای زمینهٔ قطعهٔ سی‌ودوم و سی‌وسوم به رنگ قهوه‌ای شیرکاکائویی است که متن اثر خوشنویسی‌شده را در هفت جدول تو در تو به رنگ‌های آبی کاربنی، سبز زیتونی، سفید و در برخی جاها از رنگ خود زمینه مقوا بهره برده است. خارجی‌ترین جدول به رنگ آبی است بعد جدولی به رنگ زمینه مقوا سپس قابی به رنگ فیلی و دوباره جدولی از رنگ زمینه مقوا و سپس جدول فیلی دیگری و آنگاه قابی سورمه‌ای رنگ پهن که در درونش جدولی سفید نمایان است. به نظر می‌رسد این جدول‌کشی‌ها و قاب‌ها به سفارش گردآورندهٔ این مجموعه بوده باشد چرا که در موارد متعددی این‌گونه پس‌زمینه‌ها را به‌طور زوج‌زوج در این آثار مشاهده می‌کنیم. مثل پیش‌زمینه‌های قطعات ۳۳ و ۳۴ یا ۳۱ و ۳۲.

تصویر ۴. قطعهٔ ۳۰

قطعهٔ سی‌ودوم دربردارندهٔ هفت سطر به خط نسخ و زبان عربی است که در ادامه آن سه بیت به عربی و به نستعلیق اضافه کرده است. این قطعه با عبارت «خَلیَلی غضّا ساعةً و تهجراً» آغاز و با بیتِ

اذا امتحن الدنیا لبیب تکشفت
له عن عدو فی ثیاب صدیق

پایان پذیرفته است. در بیاض پایین صفحه با خط تحریری شکسته به فارسی چلیپانویسی کرده و نوشته است که در بی‌حالی به درخواست یکی از اُحبانش این صفحه را قلمی کرده است. نگارنده در پایان خود را میرازاکوچک معرفی می‌کند و رقم ۱۲۴۹ برای کتابت آن آمده است.

قطعهٔ سی‌وسوم همان ویژگی‌های ظاهری قطعهٔ سی‌ودوم با همان مقوای زمینه و جدول‌کشی و قاب‌ها را دارد. تنها تفاوت متن نوشته شده است که بخشی از دعای صباح امیرالمؤمنین است به خط نسخ و به زبان عربی. این صفحه چلیپانویسی شده است. سطر نخست را با «بسم الله الرحمن الرحیم» پُر کرده و سطر دوم را با «الهم یا من دَلعَ لسانَ الصباحِ» که بخشی از دعای صباح است آغاز کرده است. این چلیپانویسی تا سطر چهاردهم ادامه یافته و با تنها عبارت «والبَسنی» اتمام یافته است.

در این قطعه نام و نشانی از کاتب و زمان کتابت دیده نمی‌شود، اما به لحاظ قرائن و تشابه به قطعهٔ سی‌ودو می‌توان آن‌را متعلق به میرزاکوچک دانست.

قطعهٔ سی‌وچهارم، قطعهٔ مرکبی است از سه گونه خط نسخ به عربی که با ابیاتی از عزلیات سعدی

به طور فردفرد چلیپانویسی شده است. کاتب در قسمت بالای سمت چپ با خط تعلیق چنین از خود نام برده است: «حرر العبد العاصی المجرم المذنب کبیر الذنب قلیل الطاعة محمد شفیع الشهیر بمیرزا کوچک فی لیلة الجمعه سنه ۱۲۳۷». در پایین صفحه نیز به خط شکسته‌نستعلیق دلیل نوشتن این قطعه مرکب را چنین مطرح می‌کند: «به جهت دوستی از دوستان این چند شعر از غزلیات شیخ سعدی شیرازی منتخب تحریر رفت . بیش از این فرصت نگارش نبود مختصر افتاد.» فاصلهٔ بین سطور در کل صفحه زراندازی و دندان‌موشی است.

صفحهٔ زمینه این قطعه روی زمینه‌ای سورمه‌ای با جداول خطی به رنگ‌های سفید، رنگ زمینهٔ سیاه، سبز ماشی، سیاه، سبز ماشی، سورمه‌ای، زمینهٔ قرمز آجری، سورمه‌ای، زمینهٔ دوباره قرمز آجری، سفید و یک قاب قرمز آجری نسبتاً پهن دوباره جدول سورمه‌ای زمینه و کادر زمینهٔ تحریر که به رنگ عدسی است. کل خطوط با مرکب سیاه و فاصلهٔ بین سطور در کل صفحهٔ زراندازی و دندان‌موشی است.

قطعهٔ سی‌وپنج در کاغذی به رنگ زمینهٔ سبز عدسی با تحریرهای دندان‌موشی است. (البته ممکن است طلااندازی با تحریر دندان‌موشی بوده باشد که به دلیل بی‌کیفیتی رنگ تصویر توجه نویسنده را بیشتر به رنگ سبز عدسی جلب کرده باشد). رنگ داخل این دندان‌موشی‌ها کرم‌رنگ است. این قطعه را قابی صورتی‌رنگ در دل خود جای داده است. دو جدول آبی و یک جدول سفید از درون قاب صورتی و یک جدول صورتی و یک جدول نخودی و یک جدول سفید در بیرون از این قاب خودنمایی می‌کنند. رنگ زمینهٔ مقوایی که این قطعه بدان متصل گشته سورمه‌ای است.

در این قطعه شاهد هنرنمایی خوشنویسی هنرمند در آرایش خطوط هستیم. گویی برای نگارشش و ترکیب خطوط برنامه‌ریزی شده باشد. کاتب آیاتی از سوره آل عمران به خط نسخ از بالای راست صفحه با آیهٔ «شهدالله انه لا اله الا هو» (آل عمران: ۱۸ و ۱۹) و به صورت چلیپا آغاز کرده و سطر دوم را زیر آن ادامه می‌دهد، اما از سطر سوم با یک طراحی دقیق با اندکی تورفتگی نوشتن را ادامه می‌دهد و این تورفتگی ابتدای هر سطر تا سطر ششم ادامه می‌یابد که نهایتاً جای نگارش یک کلمه باقی مانده است. سطر هفتم درست در زیر واژهٔ «بغیاً» با عبارت «بینهم و من یکفر» آمده و همین‌طور سطر به سطر بر دامنهٔ لغات افزوده و فرورفتگی‌های بخش اول را پُر می‌کند و نتیجه کار را مثل تیغ‌ماهی می‌کند. یک‌سوم پائین صفحه را در چهار خط افقی به اتمام می‌رساند. در سطر آخر کاتب به روز و سال کتابت و نام خود اشاره دارد: پنجشنبه سنه ۱۲۲۵ مشق میرزاکوچک (تصویر این قطعه در صفحهٔ بعد آمده است).

قطعات سی‌وششم و سی‌وهفتم این مرقّع بسیار شبیه به هم هستند. هر دو قطعات کتابتی چند از آیات شریف قرآن هستند. مقوای زمینه و طرح جدول‌کشی و قاب متن عین هم تکرار شده است. مقوای زمینه آجری‌رنگ است و به ترتیب از بیرون با رنگ‌های سورمه‌ای، رنگ زمینهٔ مقوا، مشکی، دوباره رنگ زمینه مقوای آجری، جدول باریک مشکی، رنگ زمینهٔ آجری، یک قاب عدسی‌رنگ باریک، جدول ظریف مشکی، قاب باریک آجری‌رنگ، جدول مشکی، دوباره زمینه و باز هم جدول مشکی و جدول سفید و قاب پهن سورمه‌ای، جدول باریکی از زمینه و سپس جدول سورمه‌ای، آنگاه به رنگ زمینه متن نگارش جدولی به رنگ سبز عدسی کشیده شده و آخرین جدول‌کشی داخلی به رنگ سیاه است. رنگ خود زمینه عدسی است. کتابت این قطعه در نُه سطر صورت پذیرفته که

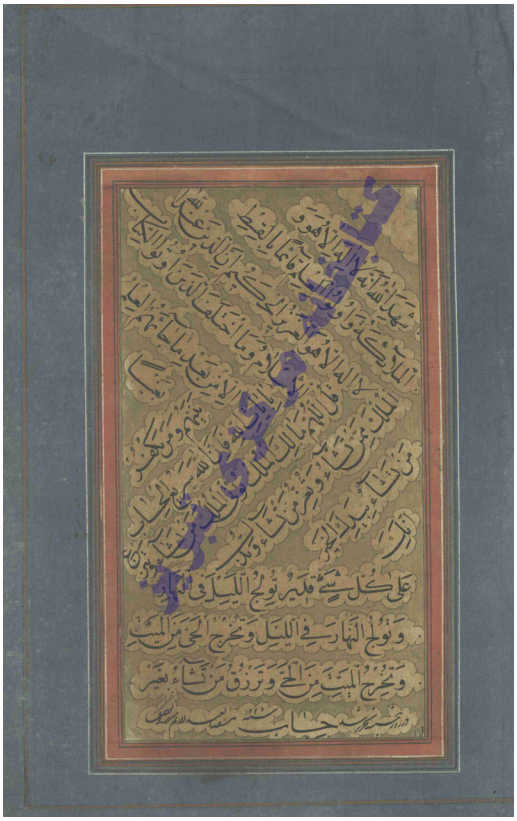

تصویر ۵. قطعه ۳۵

مابین سطور زراندازی دندان‌موشی است. آغاز این قطعه با کلامی از ابوفراس حمدانی «اراکَ عصَیّ الدَّمع شیمتک الصَّبرُ اَما لِلهویَ ....» (الحمدانی، ۱۹۹۶) با خط نسخ آغاز شده و در سطر نهم با «لَو کانَت تَمُرُ قبری» به اتمام رسیده است. این کتابت اثر محمدشفیع شیرازی به سال ۱۲۴۶ است.

قطعهٔ سی‌وهفتم که بخشی از شعر شاعری به نام طغرائی است، همان خصوصیات ظاهری قطعهٔ سی‌وششم را دارد، با این تفاوت که در هشت سطر و به خط نسخ به انجام رسیده است. سطر آغازین آن با «اُریدُ بَسطةَ کَفٍ اَستَعینُ بها قضاءِ» شروع شده و به «لَم یُحِل» در سطر هشتم ختم می‌شود. نکتهٔ جالب توجه این قطعه موردی است که خود کاتب به آن اشاره می‌کند. او در سطر آخر به خط تحریری شکسته چنین نوشته است: «این صفحه با حواس پریشان غلط نوشته شده اما مشق است عیبی ندارد. میرزاکوچک شیرازی، ۱۲۴۶».

قطعهٔ سی‌وهشتم شاهکاری به قلم عبدالمجید خوشنویس شهیر شکسته‌نستعلیق‌نویس قرن دوازده خورشیدی است. این قطعه گلزار را عبدالمجید در سال ۱۱۸۶ به خط شکسته‌نستعلیق قلمی کرده است. از ویژگی‌های این قطعهٔ بسیار زیبا آن است که مقوای زمینه کار آستری به رنگ سورمه‌ای دارد که در کل آن بوته‌های سبزرنگ با نیم‌دایره‌هایی به رنگ خردلی که درون آن با گل‌وبوته تذهیب شده نقش بسته است. این گل‌بوته‌ها به رنگ‌های صورتی و بنفش و سبز کار شده‌اند. در مرکز این مقوای زمینهٔ قاب مستطیل‌شکل آجری‌رنگ دارد که آن نیز منقش است. دور این قاب با همین رنگ آجری جدول‌کشی ظریفی به رنگ سورمه‌ای انجام شده است.

قطعهٔ سی‌ونهم یک قطعه دو بیتی است به خط نستعلیق به قلم کاتبی به نام علی در سال ۱۳۲۳. این قطعه بر صفحهٔ مقوایی کرم‌رنگ درون قابی با زمینهٔ سبز عدسی‌رنگ نقش بسته است. دور تا دور آن از ۹ جدول پهن و نازک تشکیل شده. جداول از بیرون به ترتیب به رنگ‌های سورمه‌ای، رنگ زمینه، سورمه‌ای، رنگ زمینه، سورمه‌ای، یک قاب پهن عدسی‌رنگ، دوباره جدول سورمه‌ای، جدول عدسی، جدول صورتی، جدول سفید ، قاب سورمه‌ای، جدول سفید، جدول عدسی، جدول صورتی، عدسی و آخرین جدول درونی سورمه‌ای است. درون صفحه متن گوشه سمت راست بالا یک لچکی دارد که درونش را یک بوته ترنج منقش کرده است و سپس سه جدول و یک قاب سورمه‌ای منقش و سه جدول دیگر از متن متمایز شده است. بیت اول تحریر دندان‌موشی از راست قاب به چپ رو به بالا به خط نستعلیق چلیپانویسی شده است.

در میانهٔ صفحه اصلی در دو ستون راست و چپ بدنه درست زیر بیت اول، یک لچک در سمت راست و یک لچک در سمت چپ کشیده شده‌اند که با هم متقارن نیستند. زیر این لچکی‌ها، چلیپانویسی بیت دوم را به همان شیوهٔ بیت اول داریم. رنگ زمینه لچک‌های میانی آبی لاجوردی و داخل آن از دو نیم‌ترنج سرخ چسبیده به قاب ویک ترنج سبز است. داخل لچک‌های لاجوردی هم منقش به بوته‌های سبز شده‌اند.

دو بیتی نوشته شده از این قرار است:

کار دلم ز غم به تپیدن رسیده است
این نیم‌قطره خون به چکیدن رسیده است
تبخال کرده آن لب نازک مگر کسی
در خاطرش خیال مکیدن رسیده است

از شیوهٔ نستعلیق‌نویسی این خوشنویس و زمان کتابت آن این احتمال وجود دارد که ایشان همان علی آقا حسینی (۱۲۹۰-۱۳۴۱ ش) شاگرد عمادالکتاب بوده باشد.

چهلمین قطعه، مشقی از یک اثر خوشنویسی به خط شکسته‌نستعلیق به خوشنویسی ابوالقاسم الرضوی است که در سنهٔ ۱۲۲۳ کتابتش کرده است. زمینهٔ این قطعه روی مقوایی آجری‌رنگ است که هشت جدول از بیرون به رنگ‌های عدسی، سورمه‌ای، زمینهٔ آجری، دوباره سورمه‌ای، آجری، سفید، یک قاب سورمه‌ای پهن، جدول آجری تشکیل شده است. رنگ زمینه این اثر عدسی‌رنگ با تحریرهایی دندان‌موشی سیاه‌رنگ است که داخل دندان‌موشی‌ها با کرمی رنگ شده‌اند.

مشخصات قطعهٔ چهل‌ویکم شبیه قطعهٔ چهل است. این رقعه نیز به طور پراکنده با خطوط شکسته‌نستعلیق هنرنمایی شده است و تمامی خطوط تحریر دندان‌موشی هستند حد فاصل بین سطور نیز به رنگ سبز عدسی است. خطوط به رنگ مشکی و داخل دندان‌موشی‌ها کرمی است. تاریخ «دوشنبه شهر ربیع‌الاول» مشاهده می‌شود اما در مقابل سنه عددی به رقم نیامده است.

قطعهٔ چهل‌ودوم از این مجموعه شامل قاب پهنی به رنگ آبی لاجوردی است. سپس، یک جدول خطی سیاه‌رنگ دور تا دور قاب لاجوردی وجود دارد. آنگاه جدول خطی سفیدرنگ را داریم که روی همان قاب لاجوردی، نزدیک متن اصلی کشیده شده است. سپس با فاصلهٔ کمی روی همان قاب پهن سورمه‌ای یک جدول خطی نازک سفید رسم شده است. محل اتصال این قاب لاجوردی با قاب قرمز رنگ، جدولی به رنگ سیاه رسم شده است. به طرف متن اصلی رقعه که می‌رویم شاهد سه جدول خطی نازک دیگر هستیم که به ترتیب به رنگ‌های سیاه، سبز عدسی و دوباره سیاه هستند.

زمینهٔ قطعه در کاغذی به رنگ نخودی است. در این قطعه نام و نشانی از نویسنده و زمان کتابت آن رؤیت نمی‌شود اما از محتوای این قطعه اطلاعاتی به‌دست می‌آید که می‌توان زمان تقریبی آن را حدس زد. بنابر شواهدی که نویسنده از خود بر جای نهاده مشخص می‌شود که این مخطوط عریضه‌نامه‌ای از سوی بزرگی برای عباس‌میرزا، نایب‌السلطنه، یا محمدشاه. در این عریضه به نام بهمن‌میرزا و ملک قاسم‌میرزا اشاره شده که هر دو از شاهزادگان قاجاری و برادران محمدشاه قاجار هستند. نیز نگرانی نویسنده از حضور سلطانش در قشون یا تشویشش از ماندن او در ولایت را خبر می‌دهد. عریضه از نگرانی حال نویسنده درباره اوضاع قلعه اردبیل، قراچه داغ، خوی و کردستانات ارومی خبر می‌دهد. در دل نویسنده آشوب است و ضمن ابراز نگرانی درونی‌اش و نیز اعلام جان‌فشانی و طرفداری از پادشاه، او را در جهت بهبود امور کشور سفارشاتی می‌کند.

از آنچه در متن این قطعه آورده شد می‌توان پی برد که نویسندهٔ نامه می‌تواند میرزا ابوالقاسم فراهانی، وزیر عباس‌میرزا، نایب‌السلطنة، و مخاطب آن هم نایب‌السلطنه در عهد پادشاهی فتحعلی‌شاه و زمان جنگ‌های ایران و روسیه بوده باشد.

میرزا ابوالقاسم فراهانی علاوه بر آنکه سیاستمدار و دولتمرد قدری بود در هنر خوشنویسی نیز تبحر داشت و از او منشآتی به خط خودش بر جای مانده است.

خط این عریضه به خط تحریری شکسته‌ـ نستعلیق با جوهر سیاه است که از راست به چپ چلیپانویسی شده است. چنانچه اثبات شود این نامه دست‌خط خود قائم‌مقام فراهانی است ارزش تاریخی نیز بر ارزش هنری آن خواهد افزود.

قاب قطعهٔ چهل‌وسوم نیز شبیه قاب قطعهٔ قبل است: از بیرون به طرف داخل قطعه رنگ‌ها به ترتیب در یک قاب آبی لاجوردی پهن، کمی مانده به انتهای قاب لاجوردی جدول خطی سفید نمایان است. جداکنندهٔ قاب لاجوردی با قاب عدسی‌رنگ یک جدول خطی سیاهرنگ است. قاب عدسی‌رنگ نه باریک است و نه پهن که با جدول سیاه‌رنگ دیگری مرز خود را با قاب پهن سرخ مشخص می‌سازد. قبل از آنکه پهنای قاب سرخ به سمت داخل قطعه به پایان برسد باز دو جدول خطی سیاه‌رنگ را شاهد هستیم. سپس نوار باریکی به رنگ سبز عدسی وجود دارد که درست چسبیده به آن نیز جدول خطی سیاه‌رنگ مرز جداکننده قاب‌ها با متن زمینه است.

این قطعه در کاغذی نخودی‌رنگ آهاردار در پنج سطر به خط خوشنویس خوش‌آوازه سدهٔ دوازده قمری، عبدالمجید، به تاریخ چهارم شهر ربیع الثانی سنهٔ ۱۱۸۷ با مرکب سیاه هنرمندانه شکسته‌نستعلیق‌نویسی شده است.

قطعهٔ بعدی مربوط به قطعهٔ چهل‌وچهارم از این مجموعه است. در این قطعه، خوشنویس در هفت سطر افقی در باب آداب خوشنویسی به خط نسخ با مُرکب سیاه و به زبان عربی به شیوهٔ دفتری در صفحهٔ زمینه‌ای به رنگ صورتی مشق نموده است. نام و نشانی هم از کاتب و عهد و تاریخ نگارش نیامده است. اما چون از آداب مشق سخن گفته است ذهن را به کتابی با همین عنوان که منسوب به میرعماد است نزدیک می‌سازد.

این اثر در دو قاب نسبتاً پهن به رنگ‌های سیاه و صورتی و یک قاب پهن‌تر به رنگ سورمه‌ای احاطه شده که جدول‌های خطی باریک مرز بین آنها را مشخص کرده است.مقوای زمینه که کار روی آن چسبانده شده به رنگ فیلی است.

قطعهٔ چهل‌وپنجم اثری است نفیس که ارزش تاریخی دارد. در این قطعه گرچه نام کاتب نیامده است اما از درون محتوای آن می‌توان به نام نویسنده رسید. کاغذ به رنگ نخود و از جنس کاغذهای سلطانی است. نوشته‌ها زیر یک سرلوح بیاض آمده است که فقط در سمت راست بیاض مُهر چهارگوش تاج‌داری هویداست که سجع مُهر است و نام «محمد» در آن نوشته شده است. شیوهٔ نگارش آن همچون نامه‌های سلطانی است که با فاصله‌ای از بالای صفحه نوشتن را شروع می‌کند و مابین سطور فاصله می‌اندازند. کاتب، گیرندهٔ نامه را همشیره خود به نام مهرجهان‌باجی خطاب می‌کند. این نامه در هشت سطر زراندازی با تحریر دندان‌موشی نگارش شده است و از شواهد سبک نگارش، ضخامت نوک قلم، نوع کاغذ و تذهیب زراندازی آن مُهر محمد و نام مهرجهان‌باجی ما را به محمدشاه قاجار در زمان ولیعهدی نزدیک می‌سازد که پاسخ نامه همشیره‌اش مهرجهان‌باجی

را می‌دهد. در ضمن در احوال محمدشاه آمده است که نستعلیق را به‌خوبی می‌نوشته است که خود اثباتی بر ادعای کاتب بودن اوست.

خط این نامه نستعلیق و به رنگ مشکی است که کمتر از نقطه‌گذاری استفاده شده است و بیشتر کلمات نقطه ندارند.

کاغذ زمینهٔ این رقعه با سه جدول خطی کادربندی شده است. این جداول باریک به موازات هم هستند که متشکل از دو جدول سیاه و یک جدول قرمز بین آنهاست و قسمت سرلوح نامه را، که بیاض مانده، از تنهٔ اصلی نامه جدا می‌سازد. از صفحهٔ زمینه که به سمت حاشیه می‌رویم، پس از این سه جدول، به جداول و قاب‌های خارجی این اثر می‌رسیم که به ترتیب عبارت‌اند از یک نوار سبز کمرنگ که از درونش یک جدول قرمز عبور کرده است. سپس، یک قاب پهن صورتی داریم که از نزدیک آن نوار باریک سبز یک جدول آبی کشیده شده است. بعد از قاب پهن صورتی نوار سبزرنگ دیگری به چشم می‌خورد که خطوط جداولی به رنگ‌های سفید و آبی از آن گذر کرده است. سپس، قاب خاکستری پهنی دیده می‌شود که آخرین قاب خارجی این قطعه را تشکیل داده است.

قاب قطعات چهل‌وششم و چهل‌وهفتم شبیه هم ترکیب‌بندی شده‌اند. ترتیب قاب و جداول این دو قطعه از این قرار است: از بیرون به سمت داخل که شویم قاب سبز پُررنگ و پهنی دیده می‌شود که در سمت بیرونی آن یک جدول خطی سیاه و در سمت داخلی آن یک جدول سفید نازک کشیده شده است. سپس، نوار باریکی به رنگ کرمی حد فاصل متن اصلی و قاب سبز پهن است. درون قاب، مفردی از غزل ۱۷۷ حافظ به خط نستعلیق و با جوهر سیاه نوشته شده است.

بیت آمده این است:

بباختم دل دیوانه و ندانستم
که آدمی بچه‌ای شیوهٔ پری داند
(حافظ، غزل ۱۷۷)

کاتب مصرع دوم را از چپ به راست معکوس مصرع اول، که از راست به چپ است، نوشته است. کاتب ناشناس و تاریخ کتابت در این اثر قید نشده است.

تصویر کیفیت قطعهٔ چهل‌وهفتم در دست نگارنده از کیفیت مطلوبی برخوردار نیست و پژوهشگر در حد تشخیص خود از رنگ‌ها به اوصاف این قطعه می‌پردازد: همان طور که پیش‌تر گفته آمد قاب این قطعه همچون قطعهٔ قبل است. کاتب دَه بیت نوشته است بدین گونه که هر دو نیم‌مصرع را زیر هم جدا گانه در تحریر دندان‌موشی آورده است. این ابیات به مشکی و به خط شکسته‌نستعلیق به قلم مجید عبدالحمید کتابت شده‌اند. زمانی برای این اثر هنری رقم نخورده است و یا به دلیل بی‌کیفیت بودن تصویر از نگاه پژوهشگر دور مانده است و باید از روی خود نسخه با دقت بررسی شود. قطعه به رنگ سبز یشمی دیده می‌شود که همین رنگ هم در تحریرهای دندانه‌موشی دیده می‌شود.

قطعهٔ چهل‌وهشتم نیز متعلق به کاتبی ناشناس است که تاریخی برای کتابت آن رقم نخورده است. این قطعه که به خط شکسته‌نستعلیق با جوهر سیاه چلیپانویسی شده است در یازده سطر در سطوری با تحریر دندان‌موشی مشق شده است و مابین تحریرهای دندان‌موشی زراندازی شده است. از محتوای این قطعه آشکار می‌شود که مخاطب این اثر باید سلطان بوده باشد و با توجه به شخصیت‌های محمدقاسم‌خان، که سفیر ایران در روسیه یا عبدالوهاب که حاکم تهران در دوران ناصری بوده‌اند، می‌توان اذعان داشت که این عصر

متعلق به دورهٔ ناصری باشد مقوایی که این اثر بر روی آن نشسته است قرمز است و قاب‌ها و خط کشی‌ها در نزدیکی متن اصلی واقع شده‌اند. دو جدول سیاه نازک و یک جدول سبز خارجی‌ترین حاشیه را ایجاد کرده‌اند. پس از آن شاهد دو قاب پهن لاجوردی و شنگرف هستیم که پهنای هر دو به یک اندازه است و دارای حاشیه‌نگاری است.

قطعهٔ چهل‌ونهم اشاره به یک بیت ترکی دارد که به خط فارسی نوشته شده است. از نام و تاریخ کتابت آن نیز خبری نیست. خط آن فارسی و به نستعلیق روی زمینه‌ای به رنگ سبز سدری نگارش شده است. مقوای زمینه ظاهراً قرمزرنگ است که کاغذ خطاطی‌شده در درون دو قاب پهن که به ترتیب به رنگ‌های سیاه و کرمی هستند آمده است.

قطعهٔ پنجاهم قطعه خطی است متعلق به استاد میرعماد حسنی که بر روی کاغذی با زمینهٔ سیاه به فارسی و خط نستعلیق کتابت شده است. متن این اثر چهار بیت انتخابی از غزل شماره ۵۸۹ دیوان امیر خسرو دهلوی (دهلوی، ۱۳۶۱: ۵۸۹) است. کاتب سه مصرع را مورب و مصرع چهارم را افقی مشق کرده است. دوباره سه مصرع دیگر را از راست به چپ مورب و مصرع چهارم را در سطر بعد افقی نوشته است. سپس، دو مصرع بعدی را باز چلیپانویسی کرده و زیر مصرع دوم نام خود را آورده است. قاب درونی این اثر سه نوار باریک است که هر کدام به شیوهٔ نقوش منبت‌کاری در آن نقش گرفته است. دو نوار اول و سوم رنگ زمینهٔ سبز و نوار وسطی کرمی‌رنگ است. پس از این قاب و نقوش آن سه ردیف جدول نازک به موازات هم کشیده شده‌اند. مقوای زمینه قرمزرنگ است.

قطعهٔ پنجاه‌ویکم از این مجموعه اختصاص به قلم زیبای عبدالمجید دارد. وی این اثر چشم نواز را به افتخار شخصی به نام میرزا میر محمد رازکی به تاریخ سنهٔ ۱۱۸۰ به فارسی و سبک شکسته‌نستعلیق تحریر نموده است. او به‌طور پراکنده صفحه کاغذ را در درون تحریرهای دندان‌موشی به زیبایی هرچه‌تمام‌تر پُر نموده است. رنگ زمینهٔ کار با داخل تحریرها چندان متفاوت نمی‌نماید. آنچه نگارنده از تنها تصویر موجود این قطعه متوجه می‌شود این است که رنگ زمینه سبز سدری و رنگ داخل تحریر دندان‌موشی‌ها قهوه‌ای بسیار کمرنگ است.این قطعهٔ تحسین‌برانگیز را سه قاب در خود جای داده است. درونی‌ترین قاب به رنگ کرمی و قاب بعدی به رنگ خردلی کمرنگ و قاب بیرونی به رنگ نسکافه‌ای است.

قطعهٔ پنجاه‌ودوم از یک اثر سیاه‌مشق به رنگ سیاه و خط نستعلیق رونمایی می‌کند. کاتب نام و تاریخی از این هنر خود بر جای نگذاشته است. او این رقعه را به شیوهٔ چلیپا سیاه‌مشق کار کرده است. صفحهٔ زمینهٔ کار به رنگ سبز ماشی است که در برخی جاها سایهٔ کرمی در متن زمینه آمده است. این اثر را قاب پهنی به رنگ نخود در خود جای داده است. بستر کار مقوایی است شیرکاکائویی‌رنگ که دو جدول نازک خطی به موازات هم با فاصله‌ای از قاب نخودی‌رنگ در کنار هم رسم شده‌اند.

قطعهٔ پنجاه‌وسوم این مجموعه اشاره به کتابت دعای هنگام شروع تلاوت قرآن دارد که به خط شاهزاده خانمی ـ والدهٔ نواب علی‌بخش‌میرزا ـ است. این اثر در هشت سطر با جوهر سیاه به خط نسخ مشق شده است. این قطعه برگی از نمونه هنر کتابت و خوشنویسی زنان قاجاری را نیز نشان می‌دهد. سطور در تحریرهای دندان‌موشی نوشته شده‌اند و مابین آن به رنگ سبز سدری دیده می‌شود. متن را قابی پهن و لاجوردی در برگرفته و با

جدولی به رنگ زمینهٔ متن، قاب را از قاب بزرگ‌تری که از همان رنگ و جنس مقوای زمینه است جدا نموده است. مقوایی که این دعا بر آن نقش بسته به رنگ نخود است.

قطعهٔ پنجاه‌وچهارم، قرائن نشان می‌دهد این قطعه فرمان‌نامهٔ از سوی والامقامی برای یکی از امیران نظام است. با اینکه این نامه نام و نشانی از فرستندهٔ نامه و زمان کتابت آن ندارد، اما مُهر چهارگوش کلاهک‌دار این سند که ذهبی است و سجع آن در قابی بیضی‌شکل با خطی سفیدرنگ عبارت «عبده الراجی ناصرالدین» را در خود جای داده، حکایت از دورهٔ ولیعهدی ناصرالدین شاه دارد. این مُهر گویای نویسندهٔ نامه است که فرمانی را خطاب به یکی از امرای نظام صادر نموده است. نوع سند از نوع اسناد سلطانی و حاوی فرمانی است که به خط نستعلیق نوشته شده است. نویسندهٔ نامه را با «هوالله تعالی شانه» آغاز و با «والسلام» به پایان رسانده است. جای مُهر در سمت راست سطر اول بوده و از بعد از مُهر نگارش آغاز شده است و به همین ترتیب سطور بعدی را درست از آغاز سطر اول ادامه داده تا جایی که به دلیل کم آوردن کاغذ بقیهٔ مطلب را در سه خط در هامش نامه آورده است. کاغذ فرمان به رنگ آبی است و مابین سطور تشعیرهای طلایی دیده می‌شود.

فرمان روی مقوایی نسکافه‌ای متصل شده و دارای دو جدول‌کشی است. جدول داخلی طلایی و خارجی آن سیاه است که موجب تشکیل دو قاب داخلی و خارجی شده است. قاب درونی قرمز آجری رنگ است و قاب بیرونی به همان رنگ مقوای زمینه نسکافه‌ای می‌باشد.

قطعهٔ پنجاه‌وپنجم بر صفحه کاغذی سبز فیلی با سه قاب و چند جدول نازک نقش بسته است. خارجی‌ترین بخش این قاب سه جدول سیاه نازک به موازات و متوالی و نزدیک به هم دارد. بعد قاب پهن فیلی رنگ دیده می‌شود. جدول قرمز آجری و سپس جدولی از رنگ پس‌زمینه و سپس جدول سیاه. بعد جدول قهوه‌ای و قاب پهن سیاه مشاهده می‌شود. جدول نازک آبی‌رنگ، جدول سیاه و سپس قاب صورتی رنگ را داریم. دوباره جدولی سورمه‌ای، یک جدول صورتی و یک جدول قهوه‌ای که میان دو جدول نازک سیاه محصور شده است. سپس، به زمینهٔ اصلی متن نامه می‌رسیم که کرمی یا نخودی‌رنگ است. نامه‌ای به خط تعلیق اما نقطه‌دار و به رنگ سیاه به صورت دفتری در درون آن در دَه سطر چلیپانویسی شده است. این نامه فاقد نام و مُهر و نشانی از نویسنده است و زمان کتابت در آن قید نشده است. فحوای آن نشان می‌دهد که نامه با مخدوم معظم آغاز شده و با آرزوی طول عمر بر بازماندگان و ملازمان پایان گرفته است. شرح نامه نشان می‌دهد که از یک فرودست به یک فرادست نوشته شده و سعی بر دلداری و تسلی خاطر او دارد. نیز تعریف و تمجیدی از نسخه‌ای خطی دارد که خالی از هجو و حشو است و از فصاحت و بلاغت برخوردار است اما افسوس که ناشران از ارزش آن غافل‌اند.

قطعهٔ پنجاه‌وششم: زمینهٔ کار این اثر خوشنویسی‌شده روی یک مقوای قهوه‌ای است که حاوی چند جدول و یک قاب است. متن این اثر هنری از بیرون به داخل دارای یک جدول باریک سیاه، قاب باریکی از خود صفحهٔ زمینه، سپس یک جدول سیاه دیگر، بعد از آن قاب پهن کرمی‌رنگ، سپس جدول سیاه‌رنگ و بعد از آن به کادر نوشتن نامه می‌رسیم. نامه در بیست‌وشش نیم سطر به خط تحریری شکسته‌نستعلیق نوشته شده است. چهارده نیم سطر از میانه صفحه

آغاز شده و دوازده سطر دیگر از نیمهٔ پایین به صورت چلیپانویسی سطر اولش را آغاز کرده و تا دوازده نیم سطر پیش می‌رود. زمان نگارش و کاتب نامشخص است اما از بیان نام اشخاص ذکرشده در نامه، مثل ساعدالملک، محدوهٔ زمانی این سند به زمان قاجاریه برمی‌گردد. موضوع آن درخصوص مرگ نجف‌قلی‌خان بیگلربیگی و ارائه توصیفاتی از خصوصیات فکری اوست.

از آنجا که ناصرالدین‌شاه احمدمیرزا، پسر امیرکبیر، را ملقب به «ساعدالملک» کرده بود زمان دقیق‌تر را به دورهٔ ناصری می‌رساند.

قطعهٔ خوشنویسی‌شدهٔ پنجاه‌وهفتم اثری است از محمد حسین حکاک شیرازی. او در این قطعه یک دو بیتی را به فارسی و با جوهر مشکی چلیپانویسی کرده اما ذکری از تاریخ کتابت آن نکرده است. کاغذ کار به رنگ شیرکاکائو است. متن اثر درون دو قاب پهن به رنگ سیاه و نخودی جای گرفته است. این قطعه از سیزده جدول باریک تو در تو تشکیل شده است. رنگ این جداول از داخل به خارج از این قرار است: عدسی، سیاه، صورتی، عدسی، قاب سیاه، عدسی، سبز، عدسی، قاب زرد، عدسی، صورتی، عدسی، صورتی و سورمه‌ای. متن این دو بیتی از این قرار است:

هوالعزیز
نگهدار فرصت که عالم دمی‌است
دمی پیش دانا به از عالمی است
سکندر که بر عالمی حکم داشت
در آن دم که می‌رفت عالم گذاشت

فقیر محمدحسین حکاک شیرازی

قطعهٔ پنجاه‌وهشتم روی کاغذ ابری به شیوهٔ شکسته‌نستعلیق توسط کاتب شهیر عبدالمجید در سال ۱۱۸۳ مشق شده است. عبدالمجید علت تحریر این مشق را به جهت سرمشق دادن به دوستی در انتهای کتابت خود یاد نموده است. صفحهٔ کاغذ این قطعه سورمه‌ای است اما رنگ غالب متن کار سبز و نقش آن ابر و باد است. وجود سیزده جدول باریک و دو قاب قرمز آجری و مشکی از مشخصات ظاهری این اثر است. رنگ جداول از خارج به داخل سیاه، عدسی، سیاه، قاب خیلی پهن سورمه‌ای، سفید، سورمه‌ای، عدسی، سیاه، عدسی، سیاه، قاب قرمز آجری پهن، سیاه، آجری، سیاه، سبز، قاب سیاه پهن، عدسی و جدول سیاه، که اولین جدول از داخل کادر نوشته است.

شماره	محتویات فهرست‌نگاری فهرست کتابخانهٔ مرکزی تبریز	فهرست‌نگاری مرقّع از نگاه پژوهشگر
۴-۱	خط نستعلیق، مقدمه کلیات سعدی از علی بن احمد بیستون ـ ۷۳۴ ؟	تصاویر متعلق به بیاضی از کلیات سعدی به خط کاتبی ناشناس از مسوده‌ای به خط احمد بیستون است. نام و تاریخ کتابت این بیاض نامشخص است.
۱۴-۵	خط نسخ و نستعلیق پخته و زیبا از محمد شفیع شیرازی معروف به میرزاکوچک وصال در دَه برگ به تاریخ ۱۲۲۹ ۱۱۲۳۹-۲۳۵- ۱۲۴۰ق	قطعهٔ ۵. محمدشفیع مشهور به میرزاکوچک شیرازی ـ خط نسخ، ثلث و شکسته تحریری به تاریخ ۱۲۳۲. قطعهٔ ۶. از میرزا کوچک به خط نستعلیق و نام خود را شکسته تحریری بدون تاریخ ذکر کرده است. قطعهٔ ۷. میرزا کوچک شیرازی ـ رقم ۱۲۳۵، شکسته تحریری جلی. قطعهٔ ۸. محمدشفیع شیرازی، به نسخ، ۱۲۴۰. قطعهٔ ۹. وصال شیرازی به خط نسخ و نام کاتب به خط ثلث در سال ۱۲۳۹ قید شده است. قطعهٔ ۱۰. خط وصال ـ رحمة‌الله ـ به خط نسخ و نام کاتب به ثلث در سال ۱۲۴۰ رقم خورده است. قطعهٔ ۱۱. محمدشفیع شیرازی ـ به نسخ و نام کاتب به ثلث در سال ۱۲۴۰ آمده است. قطعهٔ ۱۲. میرزا کوچک شیرازی ـ خط قطعه به نسخ، نام کاتب شکستهٔ تحریری و سال کتابت آن ۱۲۳۸ آمده است. قطعهٔ ۱۳. میرزاکوچک شیرازی، خطوط مرکبی شامل نسخ، تحریری جلی و تعلیق ـ تاریخ کتابت قید نشده است. قطعهٔ ۱۴. میرزا کوچک، به خط نسخ و شکسته تحریری، تاریخ کتابت ۱۲۲۹.
۱۵	خط نسخ زیبا- ناشناس	قطعه ۱۵. کاتب نامشخص، خط نسخ، سال کتابت ۱۲۱۴.
۲۳ -۱۶	خط نسخ و نستعلیق از میرزا کوچک وصال به تاریخ ۱۲۳۲-۱۲۳۵-۱۲۳۸ق	قطعهٔ ۱۶. میرزاکوچک شیرازی ، ۲ سطر به نسخ و مابقی سطور به شکسته‌نستعلیق ـ سال کتابت ۱۲۳۲ قطعهٔ ۱۷. کاتب ناشناس ـ ترکیبی از چند خط نسخ، ثلث، و شکسته تحریری ـ سال کتابت نامشخص قطعهٔ ۱۸. محمدشفیع مشهور به میرزاکوچک، قطعه‌ای مرکب از چهار خط نسخ، نستعلیق، شکسته‌نستعلیق و تعلیق ـ سال کتابت ۱۲۳۵ قطعهٔ ۱۹. وصال ـ قطعهٔ مرکبی از خطوط نسخ، نستعلیق تحریری و شکسته تحریری خفی ـ سال کتابت نامشخص قطعهٔ ۲۰. میرزا کوچک شیرازی، خط نسخ و کتابت نام کاتب به تحریری شکسته خفی ـ سال کتابت ۱۲۳۸ قطعهٔ ۲۱. میرزا کوچک ، خط نسخ و نام کاتب به خط تحریری ـ سال ۱۲۳۷ قطعهٔ ۲۲. کاتب میرزا کوچک ـ خط نسخ ـ سال ۱۲۳۸ قطعه ۲۳. کاتب میرزا کوچک ـ خط نسخ ـ سال نامشخص.
۲۴	یک برگ از گلستان سعدی - ناشناس	برگی از گلستان سعدی - خط نستعلیق - کاتب و سال کتابت نامشخص.

۲۵	خط نستعلیق	خط قطعه نستعلیق، کاتب و رقم کتابت نامشخص.
۲۶- ۲۷	خط نسخ و نستعلیق از میرزا کوچک وصال به تاریخ ۱۲۳۵	قطعهٔ ۲۶. کاتب میرزا کوچک شیرازی ـ خطوط مرکبی از نسخ، ثلث و تحریری خفی- سال ۱۲۳۵. قطعهٔ ۲۷. میرزا کوچک شیرازی، قطعه مرکبی از خطوط نسخ، نستعلیق خفی، شکسته تحریری ـ سال ۱۲۳۵.
۲۸- ۲۹	۱۰۸۸ق	قطعهٔ ۲۸. کاتب محمدرضا موسوی - خط نستعلیق - سال ۱۰۸۸. قطعهٔ ۲۹. کاتب و رقم کتابت قید نشده است. خط نستعلیق- سال نامشخص.
۳۰-۳۷	خط نسخ و نستعلیق از میرزاکوچک وصال به تاریخ ۱۲۳۵- ۱۲۱۹-۱۲۳۰-۱۲۳۸-۱۲۳۷	قطعهٔ ۳۰. قطعه‌ای نگاشته‌شده با تکنیک رنگینه‌نویسی یا الوان‌نویسی مشتمل بر رنگ‌های لاجوردی، سفید، شنگرف، زنگار و سیاه. به قلم میرزا کوچک متخلص به وصال در سال ۱۲۳۸. شامل خطوط نسخ، نستعلیق و تعلیق خوانا. قطعهٔ ۳۱. در این قطعه برای تکنیک رنگینه‌نویسی از رنگ‌های زنگار، سفید، شنگرف و صورتی به کار رفته است. خط نسخ بوده اما نام کاتب و سال کتابت نامشخص است. قطعهٔ ۳۲. میرزا کوچک، خطوط به‌کاررفته نسخ، نستعلیق و تحریری خفی است، سال ۱۲۲۹. قطعهٔ ۳۳. خط نسخ از هنرمندی ناشناس و سال کتابت نامعلوم. قطعهٔ ۳۴. محمدشفیع مشهور به میرزاکوچک، خطوط نسخ، تعلیق و شکسته تحریری - سال کتابت ۱۲۳۷. قطعهٔ ۳۵. میرزا کوچک- خط نسخ ، سال ۱۲۲۵. قطعهٔ ۳۶. محمدشفیع- خط نسخ، کاتب نام خود را به ثلث و سال کتابت را ۱۲۴۶ رقم زده است. قطعهٔ ۳۷. میرزا کوچک ، خط نسخ ، نام کاتب با قلم تحریری خفی به سال ۱۲۴۶ رقم خورده است.
۳۸	خط شکسته از عبدالمجید به تاریخ ۱۱۸۰ق	قطعه‌ای گلزار از عبدالمجید، شکسته‌نستعلیق، سال کتابت ۱۱۸۰رقم خورده
۳۹	خط نستعلیق از علی به تاریخ ۱۳۲۳ق	خط نستعلیق از علی به تاریخ ۱۳۲۳هـق
۴۰	خط شکسته از ابوالقاسم به تاریخ ۱۳۲۳ق	خط شکسته‌نستعلیق از ابوالقاسم الرضوی به تاریخ ۱۳۲۳هـق
۴۱	خط شکسته از ناشناس	سیاه‌مشقی از شکسته‌نستعلیق از کاتبی ناشناس ـ سال کتابت نامعلوم.
۴۲	خط شکسته از ناشناس	نامه‌ای به خط شکسته تحریری خفی از کاتبی ناشناس ـ سال کتابت نامعلوم.
۴۳	خط شکسته از عبدالمجید به تاریخ ۱۱۸۷ق	خط شکسته‌نستعلیق از عبدالمجید به تاریخ ۱۱۸۷هـق
۴۴	خط نسخ از ناشناس	خط نسخ از هنرمندی ناشناس ـ سال نامشخص
۴۵	نامه به خط شکسته از ناشناس	نامه‌ای از محمدشاه به خواهرش مهرجهان‌باجی ـ دارای مُهر محمدشاه ـ خط نستعلیق بی نقطه، سال کتابت ۱۲۶۳

۴۶	خط نستعلیق از میرعماد	خط نستعلیق جلی، نام کاتب و سال کتابت نامعلوم
۴۷	اشعار به خط نستعلیق شکسته از ناشناس	اشعار به خط نستعلیق و شکسته‌نستعلیق از ناشناس، سال کتابت نامعلوم
۴۸	نامه به خط شکسته از ناشناس	نامه به خط تعلیق ، کاتب و سال کتابت نامعلوم
۴۹	خط نستعلیق از ناشناس	دوبیتی به نستعلیق از کاتبی ناشناس و سال کتابت نامعلوم
۵۰-۵۱	خط نستعلیق از میرعماد	قطعهٔ ۵۰. خط نستعلیق از عمادالحسنی، سال کتابت نامعلوم قطعهٔ ۵۱. تکرار شده قطعه ۵۰ است
۵۲	خط شکسته از عبدالمجید به تاریخ ۱۱۸۰ ق	خط شکسته‌نستعلیق از عبدالمجید به تاریخ ۱۱۸۰هـق
۵۳	خط مشکی مشق ناشناس	سیاه‌مشقی به نستعلیق جلی از هنرمندی ناشناس، سال نامعلوم
۵۴	خط نسخ زیبا از شاهزاده خانم حاجیه مادر بخش میرزا	خط نسخ به خط حاجیه شاهزاده خانم والده نواب امیرزاده اعظم علی بخش‌میرزا ـ سال کتابت نامعلوم
۵۵	فرمان ناصرالدین شاه	فرمان ناصرالدین در زمان ولیعهدی ـ دارای مُهر چهارگوش تاجدار، خط نستعلیق بی نقطه ـ سال کتابت نامعلوم
۵۶	خط طغرایی بسیار پخته و زیبا از ناشناس	نامه‌ای به خط تعلیق ـ کاتب و سال نگارش ناشناس
۵۷	نامه خصوصی شکسته زیبا از ناشناس	نامه‌ای به خط شکسته تحریری از کاتبی ناشناس ـ سال نامعلوم
۵۸	خط نستعلیق از محمدحسین حکاک شیرازی	خط نستعلیق از محمدحسین حکاک شیرازی ـ سال نامعلوم
۵۹	خط شکسته از عبدالمجید به تاریخ ۱۱۸۳	خط شکسته نستعلیق از عبدالمجید به تاریخ ۱۱۸۳

نتیجه‌گیری

مرقّعات از جمله گنجینه‌های خطی و میراث مکتوب ارزشمند جهان ایران فرهنگی هستند که ارزش نفاست آنها فقط به خاطر هنر کتاب‌آرایی به‌کاررفته در آنان، نفاست جلد، نوع کاغذ، تذهیب و میزان آب‌طلای مصرف‌شده در آنها نیست، بلکه به علت اطلاعاتی است که از محتوای برخی از اسناد دیوانی و فرامینِ شاهیِ قطعاتِ وصالی آمده در این مرقّعات به‌دست می‌آید که موجب می‌شوند نکات تیره و مبهمی که در مسئله‌ای تاریخی وجود دارد واضح و آشکار شوند و فانوس راهی برای پژوهش‌های بعدی محققان باشند. اطلاعات به دست آمده از نگاره‌ها در مرقّعات هم نقش مهمی در بالا بردن دانش مخاطبان در زمینه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی دوران هنرمندان دارد. نقاشی‌ها به زبان تصویر روایتگر مشاغل، نوع آلات موسیقی، نوع پوشاک مردمان، وضع زندگی شاهان در دورهٔ به تصویر کشانیده شدن آن وقایع هستند که خود بر وضعیت مردمان آن جامعه از نظر جغرافیا، هنر، جامعه‌شناسی، اقتصاد و سیاست در قلمرو تاریخی حوزه‌ای از زمان یا مکان دلالت دارند. بنابراین توجه به مرقّع و تاریخ‌نگاری این قسم از نسخ خطی از اهمیت بسزایی برخوردار است و شایسته است تاریخ‌پژوهان از پژوهش در این حوزه غافل نمانند.

پی‌نوشت

۱. تصویر این مرقع به همت جناب آقای تقی‌پور، کارشناس محترم بخش خطی کتابخانه مرکزی تبریز، در اختیار پژوهشگر قرار داده شد که از این بابت از ایشان کمال تشکر را دارد.

کتابنامه

قرآن مجید، چاپ سازمان اوقاف و امور خیریه (۱۳۸۳). قم: انتشارات اسوه.

برقعی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۳). سخنوران نامی معاصر، ج ۱۲، قم: انتشارات دارالعلم.

الحمدانی، امیر أبی‌الفراس (۱۹۹۶)، دیوان الحمدانی، دمشق: مرکز فرهنگی ج.ا.ایران.

حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۸۸). دیوان حافظ، به اهتمام سیدمحمدرضا جلالی نایینی و نذیر احمد، تهران: امیرکبیر.

دهلوی، امیرخسرو (۱۳۶۱). دیوان کامل امیر خسرو دهلوی، تصحیح سعید نفیسی و م. درویش، چ ۲، تهران: نشر جاویدان.

سیدیونسی، میر ودود (۱۳۹۳). فهرست نسخه‌های کتابخانهٔ ملی تبرین، تبریز، ستوده.

فیض کاشانی، ملا محسن و محمد بن شاه مرتضی (۱۳۸۶). خلاصة‌الافکار و اطمئنان القلوب، قم: نشر زائر.

مشعشعی، غلامرضا (۱۳۹۱). احوال و آثار عبدالمجید طالقانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

منشی قمی، قاضی میر احمد (۱۳۸۳). گلستان خط، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، چ ۱۴، تهران: نشر منوچهری.

İnal, Güner. Türk Minyatür Sanatı: Başlangıcından Osmanlılara Kadar. Ankara: Atatürk Kültür Merkezi, 1995.